

۲ راه نامه‌ای بر سوگ حاج قاسم

۱۱ الگوی مطالعاتی تفسیر هدی

۱۲ فتنه در مرحله گذار وضعیت مدنی به ساحت تمدنی

۱۹ سرآغازی بر کتاب چکیده دریا

۱۸ تعریف اجتهاد پارادایمی و تأثیر نگاه پارادایمیک به فلسفه فقه

۲۲ گفتگوی انتقادی درباره سند الگوی پیشرفت



خبرنامه داخلی

مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)
سال هفتم، شماره دهم، دی ۱۳۹۸

به نام خداوندگار حکمت تغییر

پیش حکایت

زمستان ۹۸ و عبرت‌آموزی‌هایی از رخداد‌های پیشین پیش روی جهان ایرانی، همگان را نشانه گرفت و جمع هم‌اندیشان مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد) در تکاپوی خردورزی این رخداد تغییرند. از سیلاب ۹۸ تا آبان ۹۸ تا عروج حاج قاسم سلیمانی و رخداد‌های پیش رو، حادثه‌هایی از مدنیت ایرانی‌اند که نشان‌گذار تمدنی دارند و ما می‌کشیم، به اندیشه مرجع آن بیندیشیم، حیث استنادی آن را در کتاب و سنت کریم پی‌جویی کنیم و در پردازش نظریه مرجع پیشرفت به کار بندیم و در این استنتاج پیشرفت‌شناخت از الگوی راهبری تحول‌سخن گوئیم و به آینده‌نگاری راهبردی ملک و مملکت اهتمام ورزیم. در رنج غربت از حاج قاسم شهید هستیم و خدای را می‌طلبیم به غیرت‌ورزی بر رسم سلوک آن معلم مجاهد!

گزارش دی ماه ۹۸ پیش روست:

۱. «راه‌نامه‌ای بر سوگ حاج قاسم» به تفصیل آمده است که فرازی از آن در این شماره گفته می‌آید؛
۱. از «کیفیت قرآن» آغاز می‌کنیم و حیث نشانگانی آن را در گفتگوی انجمن جهان دینی - جهان جدید پی می‌گیریم؛
۲. در ادامه تبیین «الگوی مطالعاتی تفسیر هدی»، مروری بر «فتنه در مرحله گذار وضعیت مدنی به ساحت تمدنی»، «الگوی تدبیر منابع ملی با آیه اول سوره انفال» و «بیان مسئله در نظام تنزیل» خواهیم داشت؛
۳. «روان‌شناسی نیایش» را در تفسیر دعای ابوحمزه به ضمیمه «سرآغازی بر کتاب چکیده دریا» در تفسیر صحیفه سجاده، معطوف به حیث زیستمانی نیایش خواهیم داشت؛
۴. و در پژوهش مشترک گروه مطالعات نظری و گروه فقه و حقوق، مروری بر «نمونه دستاوردهای فلسفه اصولی شهید صدر» و «تعریف اجتهاد پارادایمی و تأثیر نگاه پارادایمیک به فلسفه فقه» خواهیم داشت؛
۵. «مسئله و ضرورت میثاق ملی پیشرفت» به ضمیمه تأملی در نظرات «حوزویان و ارزیابی سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» در گروه تحقیق و توسعه و مطالعات راهبردی در دستور تحلیل است و اشارت‌هایی از آن در این مجال مرور می‌شود؛
۶. و در متن «گفتگوی انتقادی درباره سند الگوی پیشرفت» نقد سند الگو از چشم‌انداز استاد ارجمند حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌رضا فاخری مرور می‌شود.

**قاسم و فرصت فردا
نوزایشی در انتظار**

فرصت را دریابیم و در فرآوری و تقویت سنت فکری، گفتمانی و فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی جریان بخشیم. این قلم هوشمند است تا از اصالت امر سیاست برحذر باشد و فراخوان به تأملی نظری در یک سنت فکری در مدار هویت ایران معاصر! در یاد داشته باشیم ۱۵ خرداد ۴۲ و ۲۲ بهمن ۵۷، نماد سنت فکری ضدامپریالیستی و استعماری ایرانیان در لایه‌های زیرین جامعه، تاوان کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است؛ ملتی که سوز آبان ۹۸ را دارد اما تمام قد و با تمامی وجود پشت‌گرم دی ۹۸ است. هوش مدنی ایرانی در خط نوزایش اصیلی قرار گرفت و این رزقی است که شهادت آن خدوم مهربان در آن ادب‌ورزش، برای این ملت زمینه‌سازی کرد.

در ادامه، پاسخ ایرانی امروز را در رزق‌گیری از شهادت سردار قاسم و جمع هم‌پای او در این روزگار، پی‌گیری می‌کنم.
سپید آشنا در دور

جای مانده آن حکایت سپید (روزگار دفاع مقدس)، آن فرزند تیره خمینی و از صف آنان که برای خویش نبودند، در سلسله فراخوان به «سبیل‌الله»، قاسم سلیمانی نیز، به آن حکایت‌سازان پیشاهنگ پیوست. شاید نفرهای دیگری نیز از دیگر جای ماندگان باشند تا شاید در وقت تمدنی‌اش، به آن طومار ببیوندند تا در عمق دور از دسترس سرنوشت و تقدیر ملت از چشم‌های روزگار خود پنهان شوند. و باز در مذاق‌های هر قوم و قبیله و کرسی، مصداق‌ها آغاز شد؛ از «نماد انتقام از آن نابکار دیرینه» تا «وطن پرست»، «گویای سبک و معنای زندگی اسلامی» تا «ذوالفقار علی» و ... و ما ناگزیریم با او به خویش فرصت بخشیم و بدانیم و باور کنیم:

۱. ساعت ۱:۲۲ بامداد جمعه ۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۸ در بیغوله غربت، کنار فرودگاه بغداد، آن برادر، ابومهدی و دیگر برادران از جبهه مقاومت (قدس، حشدالشعبی و حزب‌الله) با پهباد آمریکایی نشانه می‌شوند و سناریوی از قبل پیش‌بینی شده، اجرا می‌شود. در ساعت‌های اول دوست و بیگانه مبهوت حادثه‌اند و به تدریج تحلیل‌ها آغاز شد. عراق و در اقلیم‌های مرتبط، در گوشه‌ای، جشن و سرور برگزار شد و در پهنه‌ای دیگر، شیون و زاری. غرب حاکمیتی لبخند رضایت زد، روس دغل باز، بازی دوگانه‌اش را ادامه داد و اقلیم‌های در حال ظهور و توسعه‌ای جهانی مانند هند و چین، سکوت فرصت‌باز خویش را داشتند. بیشتر و قریب به همگان ایرانیان، دل سوختند و نفراتی هم لبخندهایی داشتند، اما همگان در انتظار موضع‌گیری امت ابراهیمی، جبهه مقاومت، مدنیت ایرانی، صف عالی مدیریت راهبردی و بخش امنیت ملی هستند!

۲. سردار به دار رفت و دست بریده او به میراث دستگیری این ملت آمد. همگان از موضع سیاسی و امنیتی حکومت می‌پرسند. بیشتر پاسخ‌گویان چگونگی‌ها، از «چه باید کرد؟»، سخن می‌گویند و توصیه‌هایی دارند و آسان‌گیرترینشان بر طبل انتقام سخت می‌کوبند و برخی اندک از «چه می‌توان کرد؟» می‌گویند. این

محدود اهل نظر، برآند که به احتمال زیاد ایران به دلیل وضعیت اقتصادی خود و سابقه اعتراض‌های آبان که عمدتاً ریشه اقتصادی دارد، نمی‌تواند

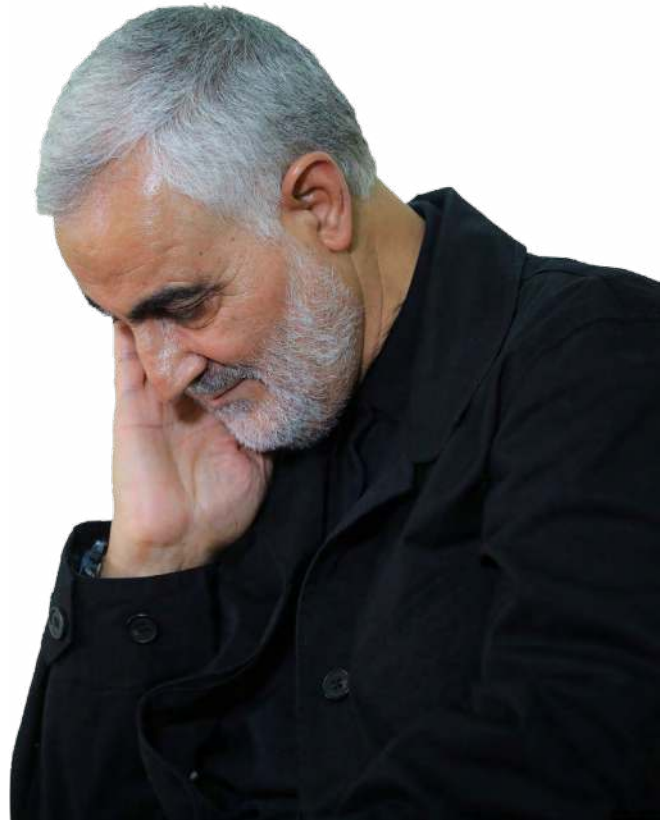
یادمان باشد
شام‌های زیادی در پیش است
غربت و سوختن!
می‌دانم
دام‌های زیادی خاموش است
یادمان باشد
دلها، رودها و صدا خشکیده است
یادمان باشد
برف‌های سیاهی باریده است
اما...
صبح‌های عجیب
رودهای غریب و
آفتاب نجیبی در راه است!
یادمان باشد
باور کنیم فصل دیگری برای تنفس سپید قلب را...

سلام ای بغض در دل شکسته!

صبر کنیم، صبر کنیم فرصت تحلیل آینده‌نگار حکایت سپید تو را! دست مریزاد پهلوان!

قرن‌های قرن پیش از ارشمیدس تا نیوتن، آدم‌ها و مردمان، افتادن سیب را از درخت دیده بودند؛ حادثه‌ای بود که از هر درختی به زمین، اتفاق می‌افتاد اما این نیوتن بود که از افتادن سیب روی زمین، نظریه جاذبه زمین را کشف و پیشنهاد کرد. در اینکه بخش رسانه یا حاکمیت، آن سالک و فرمانده در سایه را در سیب رسانه دشمن قرار داد و آیا اقدامات اطلاعاتی برای حفظ آن قافله نجیب ایرادی داشته و چرا، اینک حرفی ندارم که آیا یک فرصت سپید بوده است تا آبان به دی تبدیل شود یا ناکارآمدی و بلاهتی در میان بوده است و یا در زبان عرف بگوییم قسمت تلخ یا قسمت شیرین بوده است! نمی‌دانم! اما حادثه اتفاق افتاده است و سیب حیات آن سالک محبوب به زمین افتاده است. نظریه جاذبه قاسمی یعنی چه؟ ما عضو و بازیگر کدام سناریو در آفریدگاری آینده در امروز باشیم؟ شبکه بی‌بی‌سی از دو سال پیش در فیلم مستند یک ساعته خود، پیشنهاد این ترور را دارد. به هر حال اتفاق افتاده است. ما چه کنیم؟ بر طبل جنگ بکوبیم یا اندکی کوتاه آمده و بر طبل انتقام منهای جنگ بکوبیم؟ زود را وعده دهیم یا آن مهاجم سیاه را از دیر بترسانیم؟ میدان اصلی بازی و استراتژی اجرای ما چیست و کجاست؟

شهادت سردار قاسم، فرصت خط درون‌زایی نوزایش اجتماعی، با مختصاتی فلسفه دینی (جهان دینی در جهان جدید) است. این



میدان‌های بازی خویش‌اند. ایران میان دولتیان جهانی تنهاست! ایران است و حکایت جبهه مقاومت. آن خداوند رحیم و رحمان کریم با قاسم ابن الحسین (برادر قاسم خویش را می‌گویم) امروز ما را فرصتی دوباره داده است که این بار و خودآگاه و خودخواسته در ۵۹ تا ۶۱ باشیم؛ اما این بار بلاهت‌های این چند دهه را تکرار نکنیم. قرن‌های قرن است که نانجیبی دشمنان از عرب مهاجم - و نه سوغاتیان دین مصطفایی به این مرز و بوم - به ایران تا مغول تا قاجار تا پهلوی، روزگار این ملت را در میانه سیاهی و سپیدی معلق نگاه داشته‌اند. ما چه کنیم؟ ملت - دولت ایران معاصر، فرصت تنفس تازه‌ای با پرواز این پرندۀ سپید یافته است و شاید این آخرین فرصت ملی برای سکان‌داران فاعلیت و حاکمیت انقلاب اسلامی ایران در هم‌دوشی با ملت برای توبه‌ای اصیل با اهمیاتی و غیرتی تازه، و نیز شاید انسانی‌ترین فرصت فاعلان اجتماعی در مشارکت هم‌دلانه با صف عهده‌داران حاکمیتی قدرت در وقت‌های باقیمانده پیش رو در ایران باشد. این فرصت پایانی، در این دورۀ تمدنی نه فقط برای دولتیان ایرانی بلکه برای هر ایرانی در هر گوشه این جهان کوچک است. قاسم دلاور، جایی میان بالانشین و پایین‌نشین دزد نداشت و نخواست. آرزوی رفتن داشت و رفت. آموزگاری او با ما چیست؟ چه باید کرد؟

در صف نخبگان اندیشه‌ای، فراوری از پوپولیسم احساسی اولین عهده‌داری است؛ پس به عمق استراتژیک رسم سربازی وطن، سربازی خمینی بیندیشیم!

- در چه روزگاری زندگی می‌کنیم و با سردار چه چشم‌اندازی به عمق راهبردی تغییر و تحولات برآمده از این حادثه می‌توان داشت؟
- قاسم چگونه قاسم و سرباز خودخواسته شد و آدمیت و فردیت حاضر در اثرگذاری خویش داشت؟

- قاسم در ملت چگونه بود و آموزگار چه مدنیتی برای ملت بود؟
- ملت در کجاست و با سردار اینک در تکاپوی چه تجربه‌ایست؟
- دولتیان (حاکمیتیان) در این ماجرا کجایند؟ در فصل زیست زمینی او و اینک پس از عروج او، رسم صدق با ملت چیست؟

قاسم فرزند حسین

با روان‌شناسی شخصیت برادر آشنا تر شویم. آن دور از دسترس چشم‌های ظاهرین، با رصد رفتارها و گفتارهای فرد و خاطرات نزدیکانش به ویژگی‌های شخصیت او در تحلیل سه عامل بزرگ و تعیین‌کننده شخصیت آدمی:

۱. با قاسم از خُلق و آدمیت وی آغاز کنیم. از انسان‌ورزی او و از آدمیت او یاد کنیم، غیرت بورزیم و با آن زندگی کنیم؛

۱.۱. در تحلیل عامل روان رنجوری، سطح بسیار پایین اضطراب و افسردگی و آسیب‌پذیری در برابر استرس، در نمونه لبخندهای همیشگی او و آرامش نهفته در رفتار و گفتارش، با روحیاتی فراتر از ویژگی‌های اضطراب، خشم، افسردگی، شرم و تکانشگری آن هم در وضعیت‌های نظامی پرتلهایی که سال‌هاست تجربه می‌کند؛

۲.۱. در بررسی عامل برون‌گرایی، درون‌گرایی آن دوست، علیرغم نقش فعال و خلاق تدبیریش، بر برون‌گرایی غلبه داشت. سردار در تمامی جلسات، مختصر و مفید سخن می‌گفت و میل برون‌گرایان به پرحرفی و رفتارهای نمایشی پرهیاهو در او دیده نمی‌شد. نمی‌خواست در کانون توجه باشد؛

وارد جنگ شود و بعید است حمله نامتقارن اثرگذاری را هم صورت دهد. با همین روال نه جنگ و نه مذاکره، همچنان ادامه خواهد داشت و موضع‌گیری‌های هجومی به جریانات متصل میدانی، مانند حشدالشعبی و اگذار می‌شود و بسیار اندک‌ترین از عمق استراتژیک اصالت انقلاب اسلامی ایرانی جهان معاصر جستجو دارند و چه باید استراتژیک را بر مدار مصلحت و فلسفه جریان جهان دین در جهان مدرن - پسامدرن و رویکرد آینده‌نگار در عزت وطن، ملت و امت، به ساحت مسئله‌پژوهی راهبردی می‌آورند و پرواز قاسم دلاور را در این بازیگری آینده‌نگار، رزق حمدی در تحقق پیشرفت ملی و البته که امت اسلام اصیل، می‌دانند و می‌خواهند. این قلم در این صف آخرین است. عمق سوز رهسپاری آن سردار مهربان - که خود خواست سربازش بنامیم - هنوز فرصت خردورزی به هم‌دلان این مرام نداده است. فرصت تصمیم‌گیری برای یک اقدام آینده‌نگار چندان نیست. چه باید کرد، آن میزان که می‌توان کرد؟

پاسخ‌ها نمی‌توانند پاسخ‌های صرف علم‌اجتماعی یا علم‌الاقتصادی یا امنیتی باشند. پاسخ ناگزیر امروز ما، باید پاسخی تمدنی باشد.

۳. امروز میدان‌های منازعه با مدرنیسم آدمیت کش آمریکایی، سرمایه‌داری حاکم جهانی و نه فقط آمریکایی، بلکه حتی دولتیان چینی و روسی و دولت‌های نیابتی عربی معاصر و جهان مسلمانی منفعل امروز، توسعه عظیمی به گستره فلسفه خلقت آدمی، آینده‌نگاری دست‌کم دو سده پیش رو و در این میان وضعیت جهان اسلامی، شیعی و ایرانی یافته است و البته هر کدام از فاعلان این عرصه، بازیگر



۲. زیستمان رشد در کانون هویت این سالک حسینی، دعوتی است به آنکه این دولت - ملت در یادکرد همواره آدمیت گمشده این روزگاران خویش باشد؛

۱.۲. عامل گشودگی به تجربه‌های جدید در آن سالک ایمانی، آن‌هم در فرماندهی نیرویی در جنگ با بیگانگان در زمین‌های ناشناخته بسیار بالا دست بود؛

۲.۲. شش ویژگی اعتماد، صراحت، نوع دوستی، همراهی، تواضع و دل‌رحمی را جزء عامل توافق‌پذیری برشمرده‌اند. حاجی جدیت و مهربانی را با مشورت‌پذیری و مذاکره و هم‌اندیشی جمع کرده بود؛

۳. سردار آموخته و آموزگار مدیریت استراتژیک با پاسداشت عمق زیستمانی دین‌شناخت آن است، تدبیرگری است مهربان.

از همین روی است که دیگر عامل بزرگ شخصیت او، در ویژگی‌هایی مانند کفایت، نظم، وظیفه‌شناسی، تلاش برای موفقیت، خویشتن‌داری و احتیاط در تصمیم‌گیری، عناصری است

که به وجدانی بودن ترجمه‌اش کرده‌اند و سردار رشید ایرانی امتیاز بلندی

در این اوصاف دارد.

شگفتا و دریغا که تنها مانع پیشروی عامل شخصیتی

وجدانی بودن در سردار ایرانی، ترور او به دستور رییس

جمهوری بود که بر اساس تحلیل مفصل و دقیق دکتر

دان. پی. مک آدامز، روان‌شناس مشهور

آمریکایی، در تمام این عوامل بزرگ

شخصیت، در نقطه مقابل سردار سلیمانی قرار دارد. مردی که شخصیتش برخلاف

سردار رشید ایرانی دارای سطح بالای روان رنجوری و برون‌گرایی و سطح پایین توافق‌پذیری و وجدانی بودن است. همین تفاوت است که

سردار رشید ایرانی در میانه‌دی ماه سال ۹۸ با افتخار و میزان محبوبیت بسیار جهان را وداع می‌کند و رییس جمهور آمریکا با پایین‌ترین سطح

محبوبیت، پرخاش‌گرانه و ناامید، دلواپس آینده سیاسی خود است.

موقعیت امروز راهبردی

بلی همگان بیرسیم و بدانیم سردار آنجا چه می‌کرد؟ پاساسرداری ما با نگاه خود او باشد!

۱. چه باید کرد؟ تحلیل از چشم‌انداز آینده‌نگار یهودیت سلطه آمریکایی اندکی ما را با مفهوم عمق استراتژیک نزدیک می‌کند تا

چه باید کرد روشن‌تری را تصویر کنیم. آموزگاری سردار آن است که دفاع از وطن و جبهه مقاومت و امدار تصویر روشنی از عمق مدیریت

استراتژیک مدیریت کشور در جهان پرتلاطم معاصر است. امنیت ملی و تعیین مدنیتی جبهه مقاومت بدون این ژرفانگری راهبردی ممکن نیست. مؤلفه‌های توان‌مندی ایران و منطقه اسلامی پیوست

وثیقی با میراث تاریخی ما دارد، میراثی از کوه‌های سر به فلک کشیده قفقاز، تا کرانه‌های جنوبی مدیترانه، تا آفریقا، تا هند و چین از سطح گفتمان جنبش اجتماعی مدرنیته درون‌زا در داد و ستد با مدرنیسم و پسامدرنیسم غرب تا گفتمان جهان دین در جهان جدید تا گفتمان تشیع

در این میان و تاروزگار امروزی جهان ایرانی، ما را با ماتریس وضعیت استراتژیک در این دوره گذار نزدیک‌تر

می‌کند و می‌آموزد که چگونه تجربه منازعه امروز جهانی در نیروهای نخبگانی، مدنی، امنیتی و نظامی می‌تواند ظرفیت‌آفرین اجتماعی و

تمدنی باشد. رخداد عاشورایی - کربلایی دی ماه ۹۸ فراخوان به یک پرسش آینده‌نگار است که

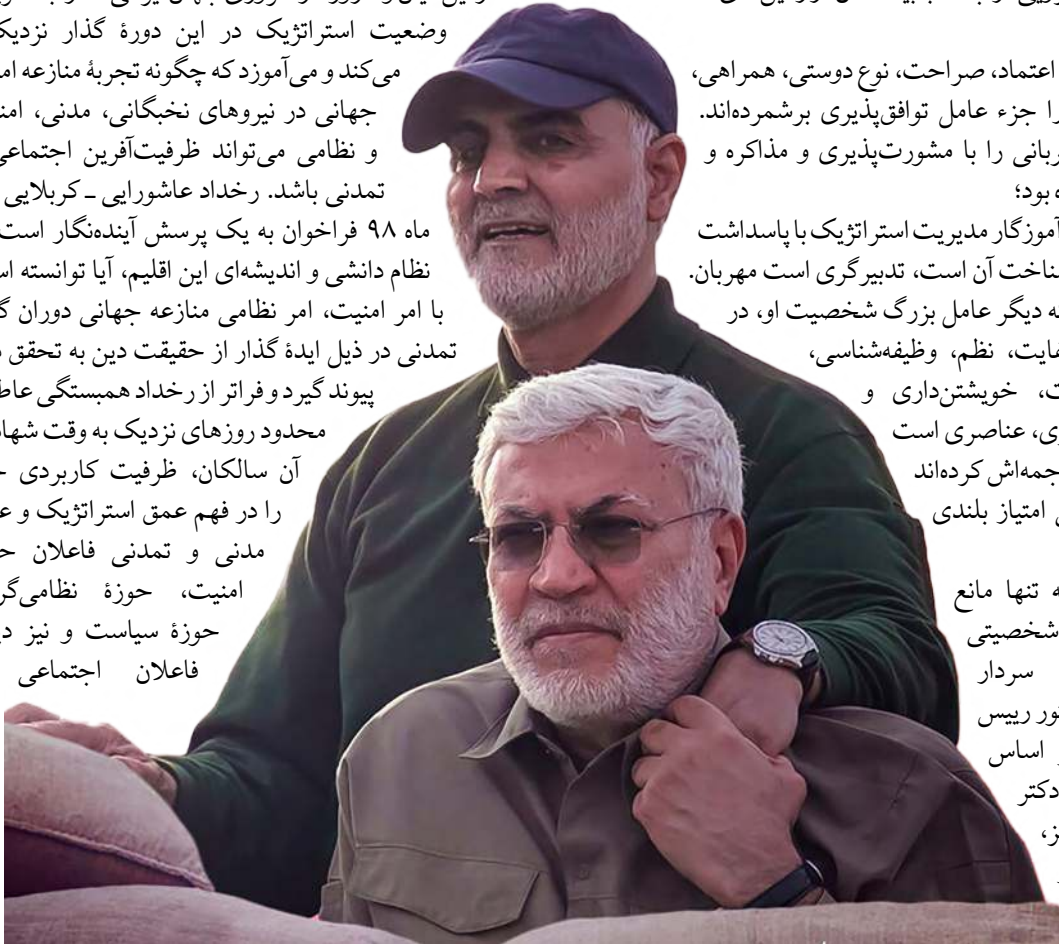
نظام دانشی و اندیشه‌ای این اقلیم، آیا توانسته است با امر امنیت، امر نظامی منازعه جهانی دوران گذار

تمدنی در ذیل ایده گذار از حقیقت دین به تحقق دین پیوند گیرد و فراتر از رخداد همبستگی عاطفی

محدود روزهای نزدیک به وقت شهادت آن سالکان، ظرفیت کاربردی خود

را در فهم عمق استراتژیک و عمل مدنی و تمدنی فاعلان حوزه

امنیت، حوزه نظامی‌گری، حوزه سیاست و نیز دیگر فاعلان اجتماعی را



توسعه بخشد؟ فصلی از سلوک بلند و بالغ حاج قاسم آن است که این نیروی استراتژیک پیشاهنگ، ادب تبدیل قوت امنیتی و نظامی را

به گفتمان اجتماعی و لحاظ امر فرهنگ در محوریت امر سیاسی با همان مهرورزی‌های صادقانه خود را آگاه است و به ما آموخته است.

سلیمانی، آگاه به تجربه تاریخی انسان چهار بعدی ایرانی است. حافظه تاریخی خویش را با پیشینه هویت ایرانی پیوند زده است، روح دیانت

اوصیایی در آن موج می‌زند و دریافته است که عمق استراتژیک امنیت ملی و منطقه‌ای را در ساحتی فرانظامی و مستقر در امر اجتماعی و

فرهنگی با میان‌داری امر زیستمانی فرآوری سازد.

۲. ساعات حساس تاریخ ایران، خواسته یا ناخواسته به بهمن ۵۷ نزدیک می‌شود. دی ماه ۹۸ آغاز ناگزیر دیگری را در برابر

سهم خودآگاهی، شعور، باور، غیرت، روش‌مندی و مسلک برنامه‌ای فاعلان ملت - دولت ایرانی

و اسلامی (حتی در مثل دولت - ملت عراق، سوریه، لبنان، یمن، افغانستان) قرار داده است. فرصت چندانی هم

